

آیت‌الله سید جعفر سیدان



مسأله ولایت و امامت در تشیع و تصوف

هوالحکیم

مسأله ولایت و امامت در تشیع و تصوف

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و خير الصلاة و السلام علي خير خلقه حبيب اله العالم
ابوالقاسم محمد و علي آله الطيبين الطاهرين المعصومين و اللعنه الدائم علي اعدائهم
اجمعين.

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَالْوَلَايَةِ،
وَمَا نُودِيَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ».

اهمیت مسئله ولایت در مدارک دینی چگونه است و اشاره به اینکه در ارتباط
با مسلک تصوف، مطلب از چه قرار است؟!

به عرض می‌رسد که مسئله ولایت در دین‌مان از مدارک، آنچه استفاده
می‌شود، شگفت‌انگیز است! بسیار بسیار با اهمیت مطرح شده! که من به
جمله کوتاهی از بسیاری که رسیده است، اکتفا می‌کنم و آن این هست که در
مدارک‌مان رسیده است که دین‌مان بنا شده است بر مسائل مهمه‌ای از قبیل
نماز، زکات و حج و جهاد و ولایت؛ و بعد در نهایت حدیث آمده است که:

«وَمَا نُودِيَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ».

تأکید شده به نماز، تأکید شده به زکات، تأکید شده به حج، تأکید شده به این مسائل مهمه‌ای که در دین مان مهم است، ولی ولایت که گفته شده، بعد گفته شده به چیزی به مانند ولایت تأکید نشده! به خاطر اینکه بقاء همه چیز، به توجه به مسئله ولایت است!

مسئله ولایت و اینکه کسی که جای پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرار گرفته باشد و خلیفه پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد و ولایت داشته باشد در دین، در روایات و مدارک، به گونه‌های مختلفی اهمیتش توجه داده شده؛ از جمله همین جمله کوتاهی که عرض کردم که ولایت نیز تأکید شده در نهایت این حدیثی که خواندم چنین آمده که:

«وَمَا نُودِيَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ».

یک نکته لطیف کوتاه در جهت این اهمیت به عرض می‌رسد که تمام این ارکانی که گفته شده، این‌ها یا قابل سقوط است یا قابل نیابت!

یعنی گفته شده که از ارکان دین، نماز هست، روزه هست، حج هست، جهاد هست و یکی هم ولایت! اما نسبت به غیر ولایت، گاهی می‌شود که کسی تکلیف ندارد از باب اینکه قدرتش را ندارد!

گاهی می‌شود که تکلیف داشته، آن کار را انجام نداده، بد کرده، قابل نیابت هست، نیابت‌پذیر هست! ممکن است که دیگری بعد از او نیابت کند. گاه، قابل سقوط است. ولی مسئله ولایت تا شعوری داشته باشد کسی، مسئله ولایت، جای خودش ثابت هست!

یعنی بایستی که در ارتباط با ولایت، توجه داشته باشد، معتقد باشد، همین قدر که می‌فهمد، شعوری دارد، درکی دارد، بایستی که نسبت به ولایت غفلت نداشته باشد.

قابل سقوط نیست مثل بسیاری از مسائل مهمه‌ای که هست. بقیه مسائلی که از اهمیت بالایی برخوردار هست، بر اساس عدم قدرت، ساقط می‌شود یا اگر چنانچه کار خلافی کرده و آن را انجام نداده، قابل نیابت هست، دیگری بعد ممکن است نیابت از آن کار را انجام بدهد. مثل اینکه روزه‌اش را نگرفته، فوت شده، بعد از فوت او، دیگری نیابت کند و به جای او روزه بگیرد و امثال ذالک.

اما مسئله ولایت هست که نه قابل سقوط است و نه قابل نیابت است! لذا از اهمیت خاصی برخوردار هست و بقیه مسائل هم بستگی دارد به تشریح ولیّ و تبیین ولیّ، و لذاست که مسئله ولایت از اهمیت خاصی برخوردار هست.

پس تا این جا آنچه به عرض رسید این است که:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالزَّكَاةِ، وَالصَّوْمِ، وَالْحَجِّ، وَالْوَلَايَةِ،
وَمَا نُودِيَ بِشَيْءٍ كَمَا نُودِيَ بِالْوَلَايَةِ».

چنین که بقیه مسائل مهمه که گفته شد، گاهی قابل سقوط هست و گاهی قابل نیابت هست؛ ولی آنچه که قابل سقوط نیست و قابل نیابت نیست، مسئله ولایت است!

جهت این اهمیتش هم این هست که تبیین بقیه مطالب دین و اساساً مطالب دین از توحید گرفته تا معاد گرفته تا بقیه مسائل، تبیین همه مسائل، وابسته است به مسئله ولایت! و لذاست که از اهمیت خاص خودش برخوردار است.

با توجه به اینکه نصوص مربوط به این مسئله که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ولی بعد از خودشان را تعیین کردند، نصوص متواتره بسیار بسیار قوی هست که در کتب مربوطه مطرح است و وقت تشریحش نیست و روایات در این زمینه یکی دوتا ده تا نیست!

که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نص کردند تصریح کردند به ولایت آقا امیرالمؤمنین علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و بقیه معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ به عبارات مختلف! بسیار با تأکید، این مطلب در روایاتمان آمده در ارتباط با امامت این بزرگواران و دهها حدیث در این زمینه رسیده است که ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَامُ تعیین شدند یکی بعد از دیگری.

در عین حال، بعضی‌ها در کمال بی‌توجهی، غفلت، قصور و تقصیر، اگر کسی قاصر باشد که مسأله دیگری است ولی اکثر، اهل مطلب هستند و قاصر نیستند و مقصر هستند. گفتند که بعد از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، پیغمبر اکرم کسی را تعیین نکرده!

از جمله یک عبارتی که در فصوص هست! در فصوص هست که می‌گوید که:

«مات رسول الله - ص - وما نص بخلافة عنه إلى أحد ولا عيّنه لعلمه أن في أمت من يأخذ الخلافة عن ربّه».

می‌گوید در امت پیغمبر، کسی هست که خودش خلافت از خدا می‌گیرد و لذا پیامبر، کسی را تعیین نکرده!

نص فصوص هست و عبارت فصوص! از اشتباهات بزرگ فصوص!

بنابراین، اشتباهات این‌چنین نیز در بیانات جمعی از این آقایان متصوّفه آمده که از جمله این عبارت که الان خواندم در فصوص و اتفاقاً کتابی که در اختیار هست صفحه ۴۰۹ فصّ داودی هست.

ولی روایات، روایات متواتره و نصوص، نصوص قطعیه که از حضرت امیر عَلَيْهِ السَّلَامُ تا وجود مقدس آقا امام عصر روحی و ارواح العالمین له الفداء، پیغمبر اکرم فرمودند؛ هر یک از معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ هم باز مکرر در مکرر،

امام‌های بعد از خودشان را بیان کردند و این‌ها از مسائل قطعی است که باید به مدارک مراجعه کرد و کسانی که مشغول تبیین این مطالب هستند و آنچه حق است از باطل جدا می‌کنند و روشنگری دارند، خدا ان‌شاءالله کمکشان باشد و این‌ها هستند که مصداق کسانی هستند که:

«مُحَقِّقٌ لِّمَا حَقَّقْتُمْ وَ مُبْطِلٌ لِّمَا أَبْطَلْتُمْ».

خداوند، خیر دنیا و آخرت به آن‌ها مرحمت کند.



@aparar.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir